

دکتر باقرپور کاشانی



رعب و ترس ملائکه از امدادهای غیبی

برای امام عصر علیه السلام

رعب، ترس و ملائکه از امدادهای غیبی برای امام عصر علیه السلام

خب ببینید یک نکته‌ای این جا هست، صاحب قدرت‌ها؛

باز جلسه پیش اگر یادتان باشد یک سوال مطرح شد، حالا امام زمان علیه السلام با ۳۱۳ نفر می‌آید؛ جمعیت دوم، دسته دوم هم ده هزار نفر هستند، خب اکنون شما نگاه کنید با این انرژی‌های هسته‌ای که هست، بمب‌های هسته‌ای که هست، شما همین‌طور نقطه زن می‌آید از خود (یونایتد ستیتس united states) می‌آید قشنگ هدف می‌گیرد، کل کعبه را با اطرافیان‌ش و سی صد و سیزده و ده هزار نفر و با یک بمب پودر می‌کند، پودر می‌کند! خب این اکنون چه جوری می‌شود این جریان، به چه نحوی می‌خواهد اتفاق بی‌افتد؟

حضرت چی‌کار می‌خواهند بکنند؟

بعدش هم در روایت آمده با شمشیر می‌آیند، خب آخه بیاییم بررسی بکنیم، شمشیر؟!

اکنون اسلحه‌ای هست با سیمونوو می‌آید از بالا هدف می‌گیرد، وسط پیشانی را؛ این شمشیر مگر می‌تواند به او برسد؟

خب این را چیکار باید بکنیم؟

این مسائل را چه جوری بخواهیم قیام حضرت را چه جوری بخواهیم توجیه بکنیم؟
ببینید نکته سر اینه که «اگر خدا بخواهد»، همین یک جمله بس است؛ «اگر خدا بخواهد»، تمام! حالا خدا چه جوری می‌خواهد؟

یعنی سلاح‌های آن‌ها از کار می‌افتد؟ نمی‌دانم! اما یکی از کارهایی که می‌کند، در روایات آورده خب این‌ها را با توجه به روایات حرف می‌زنیم، گاهی اوقات می‌نشینند برای خودشان حرف‌هایی می‌زنند، می‌گویند آقا سلاح‌ها، هواپیماها دیگر پرواز نمی‌کند، بمب‌ها دیگر نمی‌زند، خب ببینیم چی از خودمان که نمی‌توانیم در بیاریم که، ببینیم در روایات فرمایشات معصومین علیهم‌السلام آیات قرآن چی گفتند این‌ها.

ببینید یک روایت بخوانم برای شما توجه بکنید، از این تیپ روایت‌ها خیلی مسئله حل می‌شود.

کمال‌الدین، جلد دوم، صفحه ۵۲۵؛ کمال‌الدین و تمام‌النعمه، کتابی‌ست مال بیش از هزار سال پیش، برای شیخ صدوق است؛ مجموعه حدیثی هست نسبت به امام زمان علیه‌السلام هست.

از امام باقر علیه‌السلام یک روایت یک صفحه‌ای آورده، حضرت می‌فرماید:

«الْقَائِمُ مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ...»

قائم وقتی که تشریف می‌آورد، حضرت صاحب‌الزمان وقتی تشریف می‌آورد نصرت می‌شود به «رُعب»؛ یعنی چی؟

یعنی خدا چنان ترس و وحشتی در وجود این جبّاران، ظالمین، قرار می‌دهد که اصلاً طرف به این مقایسه نمی‌کند که تعداد آن‌ها چند نفره، ۳۱۳ نفره، ما هسته‌ای داریم، چنین نداریم، اصلاً نمی‌توانند مقابله بکنند پا به فرار می‌گذارند! ببینید بحث روانیه‌ها، ترس روانی؛ گاهی اوقات مثلاً خانم‌ها از یک سوسک می‌ترسند، شما نگاه کن یک خانمی، شما نگاه بکن شما چند برابر یک سوسکی، سوسک نه نیشی دارد، نه زهری دارد، مثلاً چیه که تو می‌ترسی! در می‌رود، فرار، جیغ، داد، به شوهر زنگ می‌زند بیاید سوسک را بکشد!

خب مثلاً چرا؟

چرا حالا برای چی وحشت دارد از یک سوسک؟!

ببینید یک انسانی که در مقابل یک سوسک فرار می‌کند را مبل و می‌داند این سوسک آسیبی نمی‌رساند، بدش می‌آید؛ وحشت می‌کند یا چندش هست به قول شما! یا مثلاً بدش می‌آید و فلان و فرار می‌کند؛ این چرا؟ چون وحشتش را دارد، حالا این فرض کنید یک سوسک است، یک حشره‌ست؛ بنا باشد خدا وحشت سپاه امام زمان علیه‌السلام و امام زمان علیه‌السلام را در وجود جبّاران قرار بدهد؛ نمونه‌اش را داریم در قرآن.

ببینید خدا همیشه نمونه‌هایی که نسبت به امام زمان علیه‌السلام است، جَسته و گریخته در مورد پیامبر اکرم یا ائمه یا انبیای سَلَف به وجود آورده است.

این را بخوانم جالب است، نمونه قرآنیش خیلی جالب است؛ که نمونه قرآنیش که در جنگ احد، جنگ احد بین ابوسفیان و لشکر ابوسفیان و کفار با نبی مکرم اسلام؛ خب این جنگ اول خوب پیش رفت، پیامبر به این‌ها گفت که آن کوهی که پشت سرتان است، آن بلندی که هست این‌ها را رها نکنید، یعنی پشت سر ماست؛ سپاه اسلام هم داشت حمله می‌کرد، کفار و قلع و قمع می‌کرد می‌رفت جلو؛ لشکر کفار به فرماندهی خالد بن ولید، گفتند آقا چیکار بکنیم؟

گفتند اگر آن کوه خالی بشود، ما از پشت می‌توانیم حمله بکنیم، محاصره بکنیم پیامبر و اصحابش و این‌ها را بکشیم؛ آقا این‌ها آمدند چه کار کردند؟

مسلمان‌ها دیدند آقا این‌ها حمله کردند و دارند می‌کشند، غنائم دیدن سر این‌ها بی‌کلاه می‌ماند، یعنی شمشیر، طلا، و حالا این هم بگویم گیری ندارد، اشکال ندارد، توی جنگ‌ها خانم‌ها هم می‌آوردند؛ وقتی نگاه بکنی در تاریخ خانم‌ها هم می‌آوردند، یک‌سری خانم‌هایی می‌آوردند این‌ها زیبا، این‌ها شعر می‌خواندند، گفتند اگر شما در جنگ پیروز شوید مثلاً ما با شما مییم؛ شعر می‌خواندند این‌ها.

آقا این‌ها دیدن حمله کردند، مسلمان‌ها لشکرها کشتند، خانم‌ها این‌جا هستند و طلا و نمی‌دانم شمشیر و زره و چنین و این‌ها؛ این‌ها گفتند سر ما بی‌کلاه می‌ماند، آمدند آن تپه و آن کوهی که هست رها کردند برای جمع غنائم، با این‌که پیامبر گفته بود این کار را نکنید شما؛ آمدند این کار را کردند، جمعی ماندند خیلی کم ولی اکثریت رفتند دنبال غنائم، [دنبال] خانم می‌گشتند؛

آن یکی شمشیر برمی داشت، آن یکی کلاه خود بر می داشت، چیزهایی که مانده بود از این ها بر می داشت؛

خالد بن ولید آمد نگاه کرد، از پشت آمدند قیچی کردند؛ از پشت آمدند، مسلمان ها هم داشتند می جنگیدند می رفتند جلو، از پشت محاصره کردند، از جلو هم بود، از چند جهت آمدند شروع کردن به قلع و قمع مسلمین؛ خیلی کشته شدند.

حمزه سیدالشهدا شخصیت عظیمی بود که پیامبر وقتی حمزه را از دست داد، به پهنای گریه می کرد؛ یعنی مثل یک ستون را از دست داد.

حمزه خیلی خاص بود، شخصیتی هم پهلوان هم یک جایگاه خاصی بود، و بزرگ جمعی بود و به واسطه او خیلی مسلمان شده بودند.

آمدند چیکار کردند؟

آمدن مسلمین را کشتن! مسلمین را کشتند، پیامبر ماند و آقا امیرالمؤمنین علیه السلام، سپاه آمدن با اسب ها دور حضرت می چرخیدند، گفتند پیامبر و علی را گیر آوردیم، اکنون پیامبر هم می کشیم کلاً بساط اسلام جمع می شود!

حمله می کردند... آقا امیرالمؤمنین علیه السلام از مقابل که حمله می کردند، از مقابل می آمد با ذوالفقار می جنگید، از زمین، از یسار از پشت دفاع می کرد از نبی مکرم اسلام و این ها را یک به یک زمین می زد تا این که پیامبر دیدن حریف علی نمی شوند، جبرئیل آمد، این را که دارم می گویم شیعه و سنی نقل کردند، جبرئیل آمد ندا داد در ملکوت عالم که:

«لَا فَتَى إِلَّا عَلَى وَ لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ»؛

«جوانمردی به مانند علی نیست، شمشیری به مانند ذوالفقار نیست».

مثل یک پروانه‌ای که به حول شمعی دارد می‌چرخد، این گونه دفاع می‌کرد از وجود نبی مکرم اسلام و نبی مکرم اسلام و حفظ کرد جان‌ش را. همین خلفای سنی‌ها نه در کتاب‌های ما، خدا می‌داند خودم دیدم در کتاب‌های خودشان آوردند که ما به مانند بز کوهی می‌گذاشتیم فرار می‌کردیم، از کوه‌ها فرار می‌کردیم که ما را نکشند! هیچی؛ خیلی از مسلمین را کشتند، اصلاً کمر اسلام شکست؛ کمر قدرت مسلمین شکست، این‌ها هم زخمی.

ابوسفیان پیروز شد، خوب دقت بکنید؛ ابوسفیان وقتی خارج شد از آن کارزار اُحُد، یک‌هو به ذهنش آمد چه کاری ما کردیم؟ درسته پیروز شدیم، به سپاهیان و فرماندارش گفت بیا دوباره برگردیم همان یک تعداد قلیل مسلمون مجروحی هم که هست، این‌ها را از بین ببریم، تصمیم گرفتن این کار را بکنند. خب آیه نازل می‌شود، آیا نازل می‌شود خدا ترس این مسلمان‌ها و پیامبر و علی را در دل ابوسفیان و لشکر می‌اندازد؛ با این‌که پیروز شدند، جنگیدن نترسیدن، یک تعداد مجروح و یک مقدار هم که فرار کردند و این‌ها، این‌ها برمی‌گردند دوباره بیا برگردیم این‌ها را بکشیم، وحشت عجیبی در وجود این‌ها می‌آید، رعب عجیبی می‌آید و منصرف می‌شوند.

یعنی می‌خواهم بگویم اثر رعب را ببینید، جنگیدن نترسیدن، لشکر زخمی شده، معدودی از لشکر باقی مانده؛ می‌روند می‌خواهد برگردد که کار را یک‌سره نکنند که چه بسا اگر می‌آمدند به صورت عادی کار را هم یک‌سره می‌کردند، اما خدا می‌گوید ما ترس این قلیل و در وجود ابوسفیان انداختیم و شما را این‌گونه حفظ کردیم.

آیه را دقت کنید، آیه این است در سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۵۱:

«سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَبِئْسَ مَثْوَى الظَّالِمِينَ»؛

می‌گوید به زودی در دل‌های کافران به خاطر این که بدون دلیل چیزهایی را برای خدا هم‌تا قرار می‌دادند رُعب و ترس می‌افکنیم و جایگاه آنان آتش است و چه بد جایگاهی است جایگاه ظالمین».

شأن نزول این آیه، شیعه و سنی آوردند مال ماجرای بعد جنگ اُحُد بوده که این‌ها می‌خواستند این کار را نکنند، خدا رعب و ترس و می‌اندازد در وجود ابوسفیان. ببینید امام زمان علیه‌السلام این‌گونه آقا کار را پیش می‌برند.

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید:

«الْقَائِمُ مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ...»؛

ترس امام زمان علیه‌السلام در دل تمام جبارین، ابرقدرت‌ها، قرار می‌گیرد.

لذا اصلاً وقتی ترس باشد، وقتی ترس باشد دیگر فقط ترجیح می‌دهد فرار بکند، یعنی فقط لازم نیست [جنگ فیزیکی رخ بدهد] یک کار روانی، یک کار فکری، یک اثر و القایی که از ناحیه خداست، بر جباران و ظالمین باعث می‌شود که امام زمان علیه‌السلام غالب بشود.

حالا به غیر از اون که می‌گویم بیشتر، سلاحی که حضرت دارد، سلاح معجزه آمیز است، اصحاب حضرت قدرت اعجاز آمیزی دارند، متفاوت هست و چه اتفاقاتی می‌افتد آن‌ها می‌گویم.

بعد حضرت باقر علیه‌السلام در ادامه فرمودند:

«مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ»؛

امام زمان علیه‌السلام تایید می‌شود به نصر، نصر الهی».

نصر الهی چیست؟

یعنی از ملائکه، فرشته‌ها، تمام فرشته‌ها، جبرئیل میکائیل، اسرافیل، عزرائیل، تمام این‌ها با آن قدرت‌هایی که دارند در تحت فرمان امام زمان علیه‌السلام هستند؛ یعنی مثل این می‌ماند که آقا مثلاً یک فرشته شما این جایی داری راه می‌روی، فرشته قابل رؤیت نیست، فرشته حرکت دارد؛ جسم هست، جسم لطیف و رقیق است، مجرد نیست، فرامادی نیست، لذا می‌گوید:

«تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ».

نزول دارند، چیز مجرد، شیء مجرد که حرکت ندارد که، جهات ثلاثه طول، عرض، ارتفاع دارند؛ در قرآن می‌گوید که سه بال دارند، چهار بال دارند؛ حالت جسم لطیف و رقیق دارند، اما قدرت فراوان، قدرت فراوان؛ حالا شما فرض کنید این جا هستی یک‌هو می‌آید یک چیزی از پشت هیچی هم نمی‌بینی پرت می‌کند آن‌ور؛ وقتی بنا باشد که چنین قدرت‌های ماورایی که دیده هم نشوند، از ناحیه خداوند نصرت امام زمان علیه‌السلام و بکنند، خب فرض کنیم که این افرادی هستند، این جبارین، بالاخره به یک نحوی منکوب می‌شوند! پس این هم یک نکته‌ای که خوب است توجه بکنیم.



@aparat.com/be
_sooye_zohoor



v_bagherpour_
kashani



@seratehagh1



besouyezohour



bagherpour-
kashani.com/



@serat12k



youtube.
com/c/seratehagh



https:
//naakhodaa.ir